

جوادخان گنجهای

www.ketab.ir

دکتر هوشنگ طالع

نابلوی روی جلد:

اثر استاد محمود قاضی زاهدی

(از مجموعه‌ی مردان و زنان نامی ایران)

موضوع: مرزبانان و مرزبانان - ایران موضوع: جواد گنجهای رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۵ ط ۲ ج / ۱۳۵۸ DSR رده‌بندی دیویی: ۰۷۴۳۰۹۲/۹۵۵ شماره کتاب‌شناسی ملی: ۴۰۸۳۰۰	سرشناسه: طالع، هوشنگ، ۱۳۱۲ عنوان و نام پدیدآورنده: جوادخان گنجهای / هوشنگ طالع مشخصات نشر: لنگرود - سمرقند، ۱۳۹۵ مشخصات ظاهری: ۲۴۰ صفحه: مصور (بخشی رنگی) شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۷۷۷۵-۴۲-۷
---	--



انتشارات سمرقند

دکتر هوشنگ طالع

جوادخان گنجهای

چاپ چهارم: پاییز ۱۳۹۹ / چاپ سوم: بهار ۱۳۹۷

چاپ دوم: ۱۳۹۶ / چاپ نخست: ۱۳۹۵

شمارگان: ۵۰۰

طرح روی جلد و صفحه آرایي:

مریم‌السادات موسویان

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۷۷۷۵-۴۲-۷

همه‌ی حقوق چاپ و نشر این کتاب محفوظ است

نشانی: لنگرود - خیابان شهید جمشیدی - بن‌بست آرمان - شماره ۲۴۵

تلفن و نمابر: ۴۲۵۲۳۹۴۴ - ۰۱۳

samarghandpub@yahoo.com

فهرست نوشته‌ها

- پیش‌درآمد ۵
- گفتار یکم: از تخت‌پوست، بر اریکه‌ی شاهنشاهی ۷
- بخش یکم - از شیخ صفی تا شیخ ابراهیم ۷
- بخش دوم: از سلطان جنید تا سلطان حیدر ۱۲
- گفتار دوم: خان‌گاه صفی ۱۷
- بخش یکم - پایگاه اجتماعی و بیروان خان‌گاه صفی ۱۷
- بخش دوم - تور و تورک، توران و تورکان ۲۱
- مرزهای تورکستان در سال ۳۲۲ ق (۳۱۳ خورشیدی) ۲۶
- مرزهای تورکستان در سال ۳۷۲ ق (۳۶۱ خورشیدی) ۲۷
- مرزهای تورکستان در سال ۶۰۳ ق (۶۰۳ خورشیدی) ۲۸
- گفتار سوم: بازسازی دولت فراگیر ملی ۳۳
- گفتار چهارم: زیادلوها در قفقاز ۴۵
- بخش یکم - از شاه اسماعیل تا شاه محمد خداپسند ۴۵
- بخش دوم - از شاه عباس بزرگ تا پایان کار صفویان ۶۱
- یکم - کودکی و نوجوانی پر فراز و نشیب شاه عباس ۶۳
- دوم - قرارداد اسلام‌بول ۶۹
- سوم - قرارداد دوم اسلام‌بول ۷۴
- چهارم - آشتی سرآب ۷۷
- پنجم - فرمان‌روایی زیادلوها در تفلیس ۷۹
- ششم - فتنه‌ی «موراو» بیگ ۸۰
- بخش سوم - زیادلوها در دوران نادرشاه و کریم‌خان زند ۸۶
- گفتار پنجم: جوادخان گنجه‌ای ۹۳
- بخش یکم - برآمدن آقا محمدخان و بازسازی دولت فراگیر ملی ۹۳
- بخش دوم - توجیهات حقوقی روسیان در تجاوز به ایران ۹۹
- بخش سوم - از آغاز تجاوز روسیان تا نبردهای دریای مازندران ۱۰۵

بخش چهارم - از نبردهای دریای مازندران تا کشته شدن تسی تسی یانف ۱۱۶

بخش پنجم - از آشتی جویی دروغین روسیان تا تجزیه‌ی بخش‌هایی از قفقاز ۱۲۲

گفتار ششم : تجزیه‌ی سرتاسر قفقاز ۱۳۵

بخش یکم - قرارداد ترکان چای ۱۳۵

بخش دوم - گنجهای‌ها (بازماندگان جوادخان) ۱۴۸

پیوست‌ها: ۱۵۱

پیوست شماره ۱ - اعلامیه پتر خطاب به مردم قفقاز ۱۵۲

پیوست شماره ۲ - منشور پتر (وصیت‌نامه پتر) ۱۵۵

پیوست شماره ۳ - نامه‌ی جوادخان گنجه‌ای به کلنیاس تسی تسی یانف ۱۵۹

پیوست شماره ۴ - واگذاری مسجد تاریخی کبود ایروان به ایران برای ۹۹ سال ۱۶۱

پیوست شماره ۵ - تاریخچه‌ی قرآن قدیمی ۱۶۳

پیوست شماره ۶ - عهدنامه‌ی گلستان ۱۶۵

پیوست شماره ۷ - عهدنامه‌ی ترکمان چای ۱۷۱

پیوست شماره ۸ - پهنه‌ی سرزمین‌های جنا شده از ایران در قراردادهای گلستان و ترکمان چای ۱۷۹

پیوست شماره ۹ - فرمان فتح‌علی شاه به جمع اهالی تفلیس ۱۸۱

پیوست شماره ۱۰ - فرمان فتح‌علی شاه (خان بابا خان) ۱۸۳

پیوست شماره ۱۱ - فرمان فتح‌علی شاه به خوانین و بیگ‌ها و ریش‌سفیدان ولایت ۱۸۵

پیوست شماره ۱۲ - فرمان فتح‌علی شاه به جمع ریش‌سفیدان قراقلخان ۱۸۸

پیوست شماره ۱۳ - فرمان فتح‌علی شاه به محمد حسن خان شکی ۱۹۰

پیوست شماره ۱۴ - فرمان فتح‌علی شاه به طهماسب بیگ گرجستانی ۱۹۲

پیوست شماره ۱۵ - نامه محمد حسن خان به همهی علما و ریش‌سفیدان ۱۹۴

پیوست شماره ۱۶ - فرمان فتح‌علی شاه به مهدی قلی خان قزاقی ۱۹۶

پیوست شماره ۱۷ - نامه‌ی عباس میرزا به گودوویچ ۱۹۸

پیوست شماره ۱۸ - حکم خطابی عباس میرزا به خوانین و بیگ‌زاده‌های اهل کاختی ۲۰۰

کتاب‌نامه ۲۰۳

نمایه ۲۰۵

نگاره‌ها ۲۱۱

پیش درآمد

زیادلوها، تیره‌ای از ایل قاجار و از امیران و صوفی زادگان زنجیره‌ی صفویه اند. فرنام (لقب) «زیادلو» را شاه اسماعیل صفوی به امت بیگ قاجار فرزند خضرخان اعطا کرد. امت بیگ از بزرگانی بود که در سفر به لاهیجان، اسماعیل خردسال را همراهی کرده بود.

شاه اسماعیل پس از استقرار، با توجه به اهمیت بسیار بالای منطقه‌ی قفقاز در دولت فراگیر ملی ایران، شاه وردی سلطان زیادلو قاجار را به بیگلربیگی قراباغ [کورا باغ] به مرکزیت شهر گنجه برگزید.

شاه اسماعیل به عنوان مردی که توانسته بود پس از هشتصد و پنجاه سال، وحدت فلات ایران و در نتیجه دولت فراگیر ملی یا شاهنشاهی ایران را بازسازی کند، مانند شاهنشاهان اشکانیان و ساسانیان، از اهمیت قفقاز در تمامیت سرزمینی یا «یگانگی همه‌ی سرزمین‌های ایرانی نشین و همه‌ی مردمان ایرانی تبار» نیک آگاه بود.

در دوران باستان، اشکانیان و ساسانیان برای نگاهبانی از سرزمین قفقاز، در راستای نگاهبانی از وحدت فلات ایران، سال‌ها برابر یورش امپریالیسم روم (باختری و سیس خاوری) به پدافند برخاستند.

راستی را باید گفت که اهمیت ویژه‌ی منطقه‌ی قفقاز دو دولت فراگیر ملی (وحدت همه‌ی سرزمین‌های ایرانی نشین و همه‌ی مردمان ایرانی تبار) چنان بود که با از دست سرزمین قفقاز در پایان سده‌ی دوازدهم خورشیدی (آغاز سده‌ی نوزدهم میلادی) فراگشت تجزیه‌ی ایران آغاز گردید و در کم‌تر از ۷۰ سال، ایران بزرگ که مرزهایش به دریای سیاه، آن سوی کوه‌های قفقاز، سیردریا (سیحون) تا اوقیانوس هند گسترده بود، به دام تجزیه و پراکندگی کشانده شد.

پتر امپراتور روس پس از آن که توانست به زور شمشیر و توپ، مردمان نامتمدن و پراکنده در «بخ‌زار» ها را در قالب «امپراتوری روس» کنار هم قرار دهد، دست‌اندر کار تنظیم بیان‌نامه (مانیفست) امپراتوری روس گردید. با توجه به نفس امپریالیسم، بیان‌نامه‌ی «امپراتوری روس» نیز بر پایه‌ی تجاوز و گسترش ارضی بنا شده بود.

در این بیان‌نامه، کلید دست‌رسی به ایران و در نتیجه، آب‌های گرم خلیج فارس، سرزمین هند و سرزمین‌های خوارزم و فرارود، منطقه‌ی قفقاز عنوان شده است. در بند نهم بیان‌نامه یا منشور پتر می‌خوانیم:

گرجستان و سرزمین قفقاز، مرگ حساس ایران است. همین که نوک نیشتراستی‌لای روسیه به آن رگ برسد، فوراً خون ضعف از دل ایران بیرون خواهد رفت و چنان ناتوان خواهد شد که هیچ پرشک حاذقی نتواند آن را بهبود بخشد.

با توجه به اهمیت والای منطقه‌ی قفقاز در یگانگی و وحدت همه‌ی سرزمین‌های ایرانی نشین و همه‌ی مردمان ایرانی تبار بود که ملت ایران در دوران صفویان، بارها و بارها برابر تجاوز امپراتوری عثمانی به این سرزمین، واکنش تند نشان دادند و پذیرای نبردهای درازمدت شدند.

نادرشاه افشار، چندین بار بر سر قفقاز با امپراتوری عثمانی به نبرد پرداخت و با دو اخطار جانشینان پتر را از قفقاز

راند. آقامحمدخان قاجار بنیان گذار زنجیره‌ی قاجاریان، برابر خودسری فرمان‌روای گرجستان و سرسپردگی وی به روسیان، واکنش نشان داد. آقامحمدخان با گسیل نامه، آراکلی خان را از بیمودن راه شهنازخان که در فرجام باعث فروافتادن دولت فراگیر ملی صفویان شد، بر حذر داشت و چون «پند» کارگر نیفتاد، ناچار از لشکرکشی به آن خطه گردید تا اجازه ندهد که با تجزیه گرجستان و سپس قفقاز، فراگشت تجزیه‌ی ایران آغاز گردد.

روز یازدهم خردادماه ۱۱۷۶ (۳۱ مه ۱۷۹۷) آقامحمدخان در حالی که در دژ شیشه (شوش یا شوشی) سرگرم تجهیز نیرو برای آفند به درون روسیه و کوبیدن «سرمار» در «لانه» اش بود، کشته شد. هنگامی که خنجر خیانت پهلویش را درید آقامحمدخان دامن یک تن از قاتلان را گرفت و فریاد برآورد:

تو آقامحمد را نکستی، تو ایران را نکستی

شش سال پس از قتل آقامحمدخان یعنی در سال ۱۸۰۳ میلادی (۱۱۸۲ خورشیدی) روسیان به دنبال سرکوب همه‌ی هسته‌های مقاومت در گرجستان و گرفتن سند واگذاری گرجستان به روسیه از آراکلی خان در زندان و زیر شکنجه‌های سخت، در پی یورش به دیگر بخش‌های قفقاز برآمدند.

نخستین آماج روسیان، گنجه یا قلب تپنده‌ی قفقاز بود. جوادخان گنجه‌ای (زیادلو قاجار) بیگلربیگی گنجه به مانند پدران خود، به پدافند برخاست تا اجازه ندهد «نوک نیشتر روس به رگ حساس ایران برسد».

روز ۲۰ آبان ماه ۱۱۸۲ (۲۲ نوامبر ۱۸۰۳) سپاهیان پر شمار روس به فرماندهی تسی تسی یانف، دژ گنجه را مورد آفند قرار دادند. با یورش روسیان، دوره‌ی نخست نبردهای امپراوری روسیه علیه ایران که ۱۰ سال به درازا کشید، آغاز گردید.

تسی تسی یانف پیش از آغاز جنگ، در نامه‌ای جوادخان را به تسلیم فراخواند. جوادخان در پاسخ نوشت:

شما دعوای خود را دیده‌اید و دعوای قزلباش را ندیده‌اید. نوشته‌ی بوی که آماده‌ی جنگ [باشم] ... از آن روز تا به حال در تدارک هستیم و حاضر و آماده بوده‌ایم. هر گاه دعوا کنی، دعوا خواهیم کرد.

جوادخان با اتکا به نیروهای تحت فرمان خود و مردم گنجه، مردانه به پدافند برخاست. جوادخان، بارها درخواست تسی تسی یانف را دایر بر تسلیم رد کرد و در آخر پیغام داد:

شما باید جسد مرا در پای دیوار قلعه پاره پاره کنی تا بتوانی وارد قلعه شوی

سرانجام به دنبال پایداری مردانه، جوادخان کشته شد و دژ و شهر گنجه به دست روسیان افتاد. روسیان، شهر را به آتش کشیدند و مردم شهر را قتل عام کردند.

پس از کشته شدن جوادخان، همسرش سروناز خان‌خانم که دو بار در جامه‌ی نبرد همراه شویش از دژ بیرون شده بود و روسیان را مورد آفند قرار داده بود، پسر کهنتر یعنی اغورلوخان را همراه یک تن از نزدیکان به تبریز نزد ولی عهد فرستاد و خود نیز در نبرد علیه روسیان شهید شد.

اغورلوخان در دوره‌ی دوم نبردهای ایران و روس، برآی چند ماهی پس از بیرون راندن روسیان از گنجه، به جای پدر نشست؛ اما پس از تحمیل ننگ‌نامه‌ی ترکمان‌چای به ملت و مردم ایران، در تبریز ماند و خیلی زود از غصه دق کرد و مرد. فرزند وی حاج جواد و فرزند حاج جواد، حاج رضا گنجه‌ای، پیشه‌ی بازرگانی در پیش گرفتند و فرزند مہتر حاج رضا، روی به سیاست آورد. حاج علی نقی گنجه‌ای از پیشگامان نهضت مشروطیت در تبریز و از یاران نزدیک شیخ محمد خیابانی بود. وی به نمایندگی مجلس شورای ملی نیز رسید، اما پیش از پایان دوران نمایندگی در گذشت. فرزندان وی، جواد و رضا نیز در خط پدر بودند ...